

# عنوان مقاله: اقتصاد الجزایر پس از اصلاحات ساختاری

نوشته: عزالدین لیاچی استاد سیاست دانشگاه سنت جانز، نیویورک

ترجمه: پرویز کریمی ناصری

منبع: مطالعات خاور میانه ۱۳۸۰ شماره ۲۶ صص ۳۱۱-۳۱۹



• الجزایر به تدریج از بحران چند بعدی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و با شورش اسلامگرایان در ۱۹۹۲ و رویارویی خونین به اوج رسید که بیش از هفت سال ادامه یافت خارج می شود. از سال ۱۹۸۰، رهبران یکی از پس از دیگری کوشیده اند تا با اصلاحات اقتصادی و سیاسی به این بحران عمومی پایان دهند. در نتیجه نظام سیاسی- بدون حل بحران سیاسی- دستخوش دگرگونی قرار گرفته است.

اصلاحات اقتصادی و سیاسی



• در حالی که اوضاع اقتصادی همچنان رو به وخامت می رود. با وجودی که الجزایر دارای توان بالقوه اقتصادی عظیمی است نشانه های احیا تا ۱۹۹۷ مشاهده نشد و گفتنی است که بیشتر رهبران نتوانسته اند از آغاز بحران آن را به رفاه واقعی مبدل سازند. با این حال، طی دو سال گذشته خشونت های الجزایر فروکش کرده و میانگین داده های اقتصادی الجزایر حاکی از بهبود اوضاع است. ناظران داخلی و بین المللی کم کم معتقد شده اند که تحت رهبری عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهوری الجزایر این کشور ممکن است سرانجام با عزم راسخ تر کارایی بیشتر شروع به رفع مشکل کرده باشد. با این همه با توجه به عمق و جدی بودن چالش های رویاروی کشور این خوش بینی همچنان محتاطانه است.

- در دو سال گذشته شماری از سرمایه گذاران خارجی در اقتصاد الجزایر و بازار مصرفی آن وارد شده اند. سرمایه گذاران واقعیو بالقوه- آمریکاییان، اروپاییان، کره ای هاف چینی ها، هندی ها، ژاپنی ها، عرب ها و سایرین - به سرمایه گذاری در صنایع هیدرو کربن، **خودرو سازی**، **الکترونیک**، **داروسازی**، **ارتباطات راه دور**، **جهانگردی**، **انرژی هسته ای** و **بانکداری** علاقه مندند. با این همه سرمایه گذاری های خارجی در بخش های غیر از **هیدروکربن** به دلیل نگرانی های امنیتی و ثبات سیاسی، به آهستگی صورت می گیرد. شورش اسلامگرایانه که از ۱۹۹۲ جریان دارد. به قتل ده ها خارجی، نابودی زیرساختارهای اقتصادی گوناگون و جابجایی هزاران روستایی منجر شده است و در این مناقشه، بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن جان باخته اند.

• از سال ۱۹۹۴، دولت الجزایر که مصمم بود تا ادامه حیات دهد، تلاش های خود را به حل بحران چند وجهی در سه زمینه به یک اندازه مهم: نظم و امنیت داخلی، بازسازی اقتصادی و آزادسازی نظام سیاسی معطوف داشته است. اولویت به اعاده نظام و امنیت از طریق مبارزه شدید با شورشیان و اجرای یک برنامه متعصبانه تثبیت اقتصادی داده شده است. گشایش نظام سیاسی، که به موفقیت در دو جبهه دیگر تکیه دارد، آخرین زمینه ایست که به اجرا در می آید.

نظم و امنیت داخلی، بازسازی اقتصادی  
و آزادسازی نظام سیاسی

• به هر حال در ۱۹۹۹ سرانجام تشخیص داده شد که اجماع سیاسی بین همه نیروهای سیاسی احتمالاً پیش شرطی پرهیز ناپذیر است. به کلامی دیگر، دولت نمی تواند بدون مصالحه سیاسی با مخالفان میانه رو و گروه های مسلح، اقتصاد را احیا و حفظ کند و سرمایه گذاران خارجی را جذب نماید. عبدالعزیز بوتفلیقه از زمان به قدرت رسیدنش در مارس ۱۹۹۹ طرح وفاق ملی سرلوحه کار خود قرار داد. مردم الجزایر در ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۹ با اکثریت چشمگیر به پیشنهاد او برای صلح با شورشیانی اسلام گرا رای دادند. اینک انتظار می رود که به چالش بزرگ دیر یعنی اقتصاد رو کند که وظیفه ای آسان نیست زیرا محدودیت ها و تنگناهای شدید داخلی و بین المللی و میراث مدیریت اشتباه اقتصادی گذشته وجود دارد.

شورشیان اسلام گرا

## بحران و اصلاحات اولیه



هواری بومدین

- در دو دهه گذشته، مشکلات اقتصادی الجزایر از سه علت اصلی، شکست راهکار توسعه که از ۱۹۶۵ به اجرا درآمد، نوسانات بازدارنده **قیمت های هیدروکربن ها** به عنوان منبع اصلی درآمد الجزایر و بدهی خفه کننده خارجی ناشی شده اند.
- در ده سال نخست زمام داری هواری بومدین (۱۹۶۵-۱۹۷۸)، الجزایر راهکار سوسیالیستی توسعه را در پیش گرفت که روی صنایع سنگین، به عنوان اساسی برای بخش جایگزین واردات تولیدی، متمرکز بود. دولت همه منابع طبیعی را کنترل و دارایی های خارجی را ملی کرد، تصمیم گیری اقتصادی نیز از طریق برنامه ریزی دولتی و بخش بزرگ دولتی مرکز گرا انجام می شد.

- قدرت اقتصادی به دست نهادهای دولتی، دیوانسالاران و مدیران شرکت های دولتی افتاد، نارضایتی سیاسی ممنوع شد و شهروندان در حالی که از دولت وحشت داشتند برای همه مایحتاج خود به آن وابسته شدند. راهکار اقتصادی بومدین در رشد اقتصادی، اشتغال، آموزش، بهداشت و دیگر خدمات نتایج مثبت به بار آورد ولی آثار دراز مدت منفی در اواخر دهه ۱۹۷۰ پدیدار شدند. این ها شامل **دیوان سالاری باد کرده و ناکارا، تنگناهای توزیع، تورم شدید، جا به جایی ساختاری، نابرابری فزاینده، درآمد و عملکرد ضعیف کشاورزی** بودند. افزون بر آن، جامعه برای تقریبا همه نیازهای خود به دولت وابسته شد بدون آنکه در برابر کارایی و بازدهی خود را بالا ببرد.

• در دوران ریاست جمهوری شاذلی بن جدید (۱۹۷۸-۱۹۹۲) بحران های جدی اجتماعی و اقتصادی بیشتر با اقدامات موردی و ناهماهنگ همراه بود که بیشتر از الزام های سیاسی ناشی می شدند تا عقلانیت اقتصادی، اقدامات در برگیرنده، سیاست های مدیریتی، پولی و مالی بودند که نتایج ضعیفی به بار آوردند و با مقاومت شدید نیروهای اجتماعی و دیوانسالاران دولتی روبرو شدند. «آزاد سازی کنترل شده اقتصادی» بن جدید بر توسعه صنایع سبک، بازسازی شرکت های عمومی، آزاد سازی قیمت ها و بازرگانی و تشویق بخش خصوصی تاکید داشت. اصلاحات خواهان انضباط مالی، کنترل شدیدتر بر وام های خارجی و مقررات لیبرال سرمایه گذاری خارجی بود.

- به هر حال بیشتر اقدامات به شیوه ای به اجرا در آمدند که بحران را وخیمتر کردند و از پول های موجود برای سرمایه گذاری کاستند. طرح های صنعتی بسیاری بایگانی و چندین قرارداد بین المللی لغو شدند. سرمایه گذاری صنعتی تنها در فاصله سال های ۱۹۸۰۰ تا ۱۹۸۱ بیست و یک درصد و واردات ۳۵ درصد کاهش یافتند. تورم به نرخ سالانه ۴۲ درصد و بیکاری به ۲۲ درصد نیروی کار رسید.

• بدهی خارجی در ۱۹۹۱ به ۲۶/۵۵۷ میلیارد دلار، با نسبت خدماتی ۷۳/۷ درصد افزایش یافت و فساد در همه نهادهای دولتی شدیداً گسترش یافت. با این همه کنترل دولت بر اقتصاد کاهش نیافت زیرا دیوانسالاران و فن سالاران دولتی حاضر نبودند منابع قدرت و اعتبار خود را از دست بدهند. سرانجام، کاهش شدید قیمت های نفت در ۱۹۸۶، که در آمد کل الجزایر را به میزان ۴۲ درصد پایین آورد، احیای اقتصادی را بیش از پیش دشوار کرد.

کنترل دولت بر اقتصاد

- تلاش های نابخردانه در آزادسازی و مبارزه قدرت بین سیاست مداران و اصلاح طلبان لیبرال سبب ارائه سیاست های ضد و نقیض و عقب نشینی دولت از بیشتر زمینه ها حتی نظم و قانون شد. در نتیجه، فعالیت های غیر قانونی اوج گرفت، میزان جرم و جنایت به نحو بیسابقه ای افزایش یافت. بازار سیاه رواج یافت. فساد و تخصیص های خصوصی پول ها دولتی مسئولان چند برابر شد و چالش های سیاسی و اجتماعی جنبش رو به رشد اسلام گرایی نادیده گرفته شد.



• اوضاع برای انفجار اجتماعی اکتبر ۱۹۸۸، که دولت و جامعه را تکان داد، مناسب شده بود. **تمرکز ساختاری قدرت و نبودن مجراهای نهادین** برای مطرح کردن شکایت ها، شورش های خیابانی را به تنها وسیله موجود برای برآز سرخوردگی از حال تاریک و آینده نامعلوم تبدیل کرد. شورش های ۱۹۸۸ که جوانان و دانشجویان بیکار را بسیج کرد و به شدت سرکوب گردید، آه از گر بحرانی عمیق تر در دولت و جامعه بود.

- در پی آشوب، گشایش سیاسی آغاز شد که راست آیینی درون حزب حاکم، جبهه آزادی بخش ملی (اف ال ان) را ضعیف و به نظام تک حزبی پایان داد، بنابراین از قدرت پلیس کاست. در میان بسیاری از حزب ها انجمن های جدید، آنهایی که به جنبش اسلامی به رهبری نجات اسلامی (اف آی اس) وابسته بودند، از سایرین مهم تر بودند.



شاذلی بن جدید

- جبهه نجات اسلامی به حزب اسلامی مخالف تبدیل شد و بیشتر کرسی ها را در نخستین انتخابات چند حزبی شهرداری ها در ژوئن ۱۹۹۱ و در نخستین دور انتخابات پارلمانی دسامبر ۱۹۹۱ به دست آورد. در ماه های بعد ارتش **پریزدنت بن جدید** را وادار به استعفا کرد، اف آی اس را منحل کرد و از طریق شورای سیاسی حکومتی به کشور حکومت کرد. اسلامگرایان با شورش مسلحانه ای واکنش نشان دادند که کشور را به سمت خشونتی هفت ساله سوق داد.



- در چارچوب «اس آ پی» اقدامات چندی برای ثبات بخشیدن به اقتصاد و دگرگون سازی آن اتخاذ گردید. آنها شامل سیاست های سخت پولی و اعتباری، کاهش ارزش دینار به میزان بیش از ۴۰ درصد (از آن هنگام دینار دست کم ۶۵ درصد ارزش خود را از دست داده است) لغو یارانه های مواد غذایی اساسی و آزاد سازی تجارت خارجی بودند. بین ۱۹۹۴ و اوایل ۱۹۹۵ حدود ۸۱۵ شرکت عمومی - که ۵۴ درصد آنها صنعتی بودند - منحل شدند و کارکنان شرکت های عام اقتصادی ۶۰ درصد کاهش یافتند. با این همه بازسازی نظام مالی هنوز شروع نشده و خصوصی سازی ۰۰ شرکت دولتی در فضایی آکنده از بحث و جدل بر سر فرآیند آن به آهستگی آغاز شده است.

سیاست های سخت پولی و اعتباری

## اثر اقتصاد کلان

- در اوایل ۱۹۹۸، تورم از ۱۸/۷ درصد در ۱۹۹۶ و ۳۰ درصد در ۱۹۹۵ به شش درصد کاهش یافت و کسری بودجه ۹ درصدی در ۱۹۹۳ جای خود را به مازاد ۲/۶ درصدی داد. ذخایر ارز خارجی کشور از ۱/۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۴ به رقم چشمگیر ۸/۸ میلیارد رسید، و توانایی کشور در بازپرداخت بدهی خارجی افزایش یافت. ۴/۷ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ پرداخت شد که این رقم در ۱۹۹۶ حدود ۴ میلیارد دلار بود. موازنه بازرگانی نیز به مازاد رسید و صنایع نفت و گاز ۴/۳ درصد افزایش یافت. رشد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۸ به ۵/۳ درصد رسید- این درصد در ۱۹۹۴، ۰/۲ درصد، در ۱۹۹۶ چهار درصد و در ۱۹۹۷، ۱/۲ درصد بود.

• به هر حال، در حالی که **تولید و صادرات هیدرو کربن** در ۱۹۹۷ بهبود یافت، فعالیت صنعتی تا ۱۹۹۸ رشد منفی داشت. در سال ۱۹۹۷، عملکرد ضعیف اقتصاد که در آن دولت مدعی ۱/۲ درصد رشد شده بود- به گردن اثر خشکسالی شدید در بازده کشاورزی ۲۴ درصد بود که در سال ۱۹۹۸ تا حدودی بهبود یافت- میزان درصد افزایش این بخش نسبت به سطح ۱۹۹۷ در تولید ناخالص ملی ۱۲ درصد بود و ۲۵ درصد از کل نیروی کار در این بخش فعالیت داشته، سطح تولید این بخش نیازهای ملی را بر نمی آورد و کشور مقدار چشمگیری مواد غذایی- ۲/۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ وارد می کند.

- صنایع سنگین نیز در ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ نرخ های رشد معنی داشتند و رشد بخش های فولاد و آهن در ۱۹۹۸، ۲۸ / ۹ درصد بود، به هر حال، عملکرد کلی صنعتی در سال گذشته بهبود چشمگیر یافت و به نرخ ۱۰ / ۵ درصد رسید.

فولاد و آهن

- بزرگترین دارایی الجزایر گاز طبیعی، و نه نفت خام است **و این کشور دومین صادر کننده گاز طبیعی مایع شده به شمار می رود.** هیدروکربن ها به تنهایی بیش از ۹۵ درصد از درآمدهای صادراتی را در ۱۹۹۷ تشکیل می دادند، یعنی ۱۳/۲ میلیارد دلار از مجموع ۱۳/۷ میلیارد دلار به این منبع مربوط می شد. صادرات این بخش در ۱۹۹۷، ۴/۳ درصد افزایش یافت در حالی که صادرات غیر هیدروکربن با ۴۳/۸ درصد کاهش، از ۸۸۱ میلیون دلار در ۱۹۹۶ به ۴۹۵ میلیون دلار ۱۹۹۷ رسید.

• در ۱۹۹۸، مازاد درآمدهای صادرات از ۵/۲۵ میلیارد دلار به ۴/۵ میلیارد دلار کاهش یافت همچنین ذخایر ارز خارجی کشور در اوایل ۱۹۹۸ به ۸/۹ میلیارد دلار رسید ولی در اواخر همان سال به ۶/۸ میلیارد دلار کاهش یافت، در آن زمان، مجموع بدهی خارجی از ۳۱/۲۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ به ۳۰/۲۶ میلیارد دلار کاهش یافت، ولی بهره آنها از ۳۰/۳ درصد به ۴۴/۲ درصد - ۵ میلیارد دلار در برابر ۴/۵ میلیارد دلار - افزایش یافت.

• الجزایر احتمالاً در ۱۹۹۷-۱۹۹۸ فرصتی طلایی را برای بازپرداخت بدهی، بازسازی نظام مالی، ۳۶۰۰۰۰ کارگر شغل خود را از دست داده اند. حدود یک سوم از کارکنان شرکت های بازسازی دولتی یعنی ۱۶۴۲۸۳ نفر از مجموع ۵۲۰۰۰۰ نفر یا ۳۲ درصد اخراج شده اند. بیکاری در ۱۹۹۸ به ۳۰ درصد رسید که بیشتر آنان را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می دادند و هنوز هم انتظار اخراج های بیشتر نیز می رود. برای حفظ سطح کنونی بیکاری و برای کاهش آن باید سال ۷۰۰۰۰۰ شغل ایجاد شود. در بخش مسکن سازی، که با عنوان همبستگی روبروست، افزایش پیش بینی شده به وقوع نپیوسته و کمبود مسکن در حال حاضر به دو میلیون واحد رسیده است. برای برآوردن نیاز، باید حدود ۳۰۰۰۰۰ واحد مسکونی جدید در سال ساخته شود.

- «شوک درمانی» پیشنهادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اوضاع را بهبود نداده و قطره ای از درآمدهای افزایش نفت و گاز در سه سال گذشته به مردم نرسیده است. سطوح زندگی اغلب گروه های اجتماعی رو به وخامت گراییه و فقر با نرخ هشدار دهنده ای افزایش می یابد.

• اصلاحات و پیامدهای آن با **مقاومت گروه های با درآمد ثابت، مصرف کنندگان، کارگران، مدیران شرکت های دولتی و کارکنان دولت** روبرو شده است. اتحادیه عمومی کارگران الجزایر (یو جی تی آ) و مدیران بخش دولتی، خصوصی سازی برنامه ریزی شده بسیاری از شرکت های دولتی را زیر سوال بردند. با آن که مقاومت کارگری به شکل اعتصاب در سال های اخیر کاهش یافته است - ۲۹۲ مورد در ۱۹۹۷ در مقایسه با ۴۴۱ مورد در ۱۹۹۶ - ولی احتمال می رود بار دیگر افزایش یابد. برخی از کارمندان دولتی، از روی عمد، در اجرای اصلاحات با شیوه های مختلف، از جمله به تاخیر انداختن اختصاص ارز خارجی به شرکت هایی که قرار است خصوصی شوند، کار شکنی می کنند.

مقاومت کارگری به شکل اعتصاب

- شرکت های کوچک خصوصی نیز که مجبورند بهره های بالا بپردازند و دینار کم ارزش شده را هزینه کنند، با مشقت و دشواری روبرو هستند. آنان از ورود شرکت های خارجی که صحنه رقابت را بر آن تنگ خواهد کرد واهمه دارند. دهقانان، که دارای ضعیف ترین قدرت تشکیلاتی هستند نیز به ویژه از زمانی که قیمت کود شیمیایی افزایش یافت و تورم و کاهش ارزش دینار از مصرف تولیدات آنان کاست در رنج به سر می برند. به طور کلی، اصلاحات بر تضادهای موجود افزوده، تنش های اجتماعی را افزایش داده و اغلب، بسیاری از مردم را به سوی گروه های اسلامگرایی جلب کرده است.

افزایش تضادها

افزایش تنش های اجتماعی

جلب شدن مردم به سوی گروه های اسلام گرایی

## توان احیا و چشم اندازها

- دورنمای فوری اقتصادی الجزایر آکنده از چالش‌ها است، ولی اگر رهبری با سخت‌کوشی بتواند اوضاع را به سوی کشور تغییر دهد امکانات فراوانی پیش روی این کشور است. بهبود نسبی اقتصاد کلان الجزایر طی سه سال گذشته بیشتر به **عواملی فراسوی کنترل کشور** مربوط می‌شد، مانند افزایش قیمت‌های نفت و گاز، افزایش ارزش دلار آمریکا و سه سال بارندگی خوب.
- اگر رفاه الجزایر همچنان به این‌ها وابسته باشد، در برابر بحرانی دیگر آسیب‌پذیر خواهد بود. کشور به ساخت قدرت اقتصادی داخلی نیاز دارد و باید در اقتصادی جهانی که به شدت محدود کننده و بازدارنده است به شریک بین‌المللی تمام‌عیار تبدیل شود.

۱- افزایش قیمت‌های نفت و گاز،

۲- افزایش ارزش دلار آمریکا

۳- سه سال بارندگی خوب

• الجزایر در تلاش برای حذف مجموعه ای از شرایط نامساعد می تواند از صلح اجتماعی و تزریق سرمایه جدید خارجی و سرمایه گذاری بهره فراوان برد. سرمایه جدید باید عاقلانه در راهکار به خوبی طراحی شده ای ادغام شود تا بتواند از فرصت های محدودی بهره گیرد که اقتصاد جهانی ارائه می کند. به هر حال، برای **حفظ رشد اقتصادی و رفع نارضایتی اجتماعی ناشی از بازسازی بخش های صنعتی و مالی**، سیاست ها و عملکرد های اقتصادی الجزایر به بازنگری نیاز دارند و باید برای از بین بردن پیامدهای منفی اجتماعی اصلاحات اقداماتی اندیشید.

- این به معنای ادامه کنترل تورم و **رشد چشمگیر بخش های غیر هیدروکربن و کشاورزی** است. با انگیزه های قانونی، مالی و صنعتی می توان سبب جهش فعالیت صنعتی و سرمایه گذاری خصوصی شد. این ها می تواند به رفع بیکاری و ادغام الجزایر در اقتصاد جهانی به عنوان صادر کننده کالاهای تولیدی و کشاورزی کمک کند. فعالیت های اقتصادی با گرایش صادرات باید با سیاست های مناسب بازرگانی ارز خارجی تشویق شود و مورد حمایت قرار گیرد. همچنین، به منظور ریشه گرفتن اصلاحات و هموار شدن راه برای بازسازی درازمدتی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تحمل پذیر باشد. دولت الجزایر به تشکیل ائتلافی از حامیان و شریکان بالقوه و رفع نیازهای آسیب پذیرترین ها در بین جمعیت خود نیاز دارد.

- بوتفلیقه برای اجرای موفقیت آمیز اصلاحات مورد نیاز باید از طریق فرایند همسازی و تعامل سازنده با منافع گوناگون اقتصادی، حزب های سیاسی و تشکیلات اجتماعی، حزب های سیاسی و تشکیلات اجتماعی، حمایت کافی داخلی را به سوی خود جلب کند. الجزایر به سرمایه گذاری بین المللی نیاز مبرم دارد و سیاست آشتی ملی که رییس جمهوری جدید آغاز کرده است باید نگرانی سرمایه داران خارجی را نسبت به امنیت و ثبات سیاسی کشور کاهش دهد. آخرین کلام بوتفلیقه در همایش اخیر شورای روابط خارجی خطاب به بازرگانان خارجی این بود که به اقتصاد الجزایر کمک کنند

امنیت و ثبات سیاسی